با توجه به استفاده فراوان از آیات قرآن و اسماء مقدسه، رعایت احکام شرعی یادآوری می‌شود.

ازامام صادق(ع) نقل شده است : شش (صفت) در مؤمن نیست: سخت گیری، بی خیری، حسادت، لجاجت، دروغگوئی و تجاوز.
وسایل الشیعه ،ج۱۵ ،ص۳۴۹ - تحف العقول، ص ۳۷۷

واکنش دکتر حمید انصاری به ادعای مضحک «شبکه دشمنان حقوق‌بشر = بی بی سی»

بخش دوم «پاسخ به تازه‌ترین تزویر روباه پیر»

ادامه از صفحه ٤:

۴- هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.
۵- هیچ کس حق ندارد در مالِ کسی چه منقول و چه غیر منقول، و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.
۶- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید، و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی- اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده و لو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم [و] گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است، و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد.
۷- آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهکهای مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیتهای مجاهد و مردم بیگناه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی الأرض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند، و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضائی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل، ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستانها و دادگاهها، چرا که تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرره و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند.
و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند، و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الأرض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضائی معرفی کنند. و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتداءً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محلهای کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.
۸- جناب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور، و جناب آقای نخست وزیر موظفند شرعاً از امور مذکوره با سرعت و قاطعیت جلوگیری نمایند. و لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداریها و فرمانداریها و بخشداریها هیأتهائی را که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند انتخاب نمایند و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا، که به حقوق و اموال آنان سر می‌زند بدین هیأتها ارجاع نمایند و هیأتهای مذکور نتیجه را به آقایان تسلیم، و آنان با ارجاع شکایات به مقامات مسئول و پیگیری آن متجاوزین را موافق با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند.
باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادر کریم و توجه حضرت خاتم الاوصیا و بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و پشتیبانی بی نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواسته به کسی ظلم شود، و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی توجه به معنویات صادر شود.
باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهیها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امور بر عهده همگان است، و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد، و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است.
از خداوند کریم خواهانم که همه ما را از لغزشها و خطاها حفظ فرماید، و جمهوری اسلامی را تأیید فرموده و آن را به حکومت عالَمی قائم آل محمد(ص) متصل فرماید «انّه قریب مجیب». و السلام علی عباد الله الصالحین.
روح اللّه الموسوی الخمینی»
صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص: ۱۴۰

نظر امام در پاسخ به سؤالی در مورد اسیرانی که یقین داریم فرد یا افرادی از ما را کشته‌اند و اکنون به پشت جبهه منتقل شده‌اند این است:
«با اسراء پس از تسلط یافتن باید با اخلاق اسلامی رفتار کنند».
استفتائات، ج ۱، ص: ۵۱۳

و در پاسخ به سؤال دیگری درباره برخورد با اسرا چنین پاسخ داده اند:
«سؤال - آیا اهانت نسبت به اسرا جایز است یا خیر؟
جواب - اهانت جائز نیست بلکه نسبت به آنان باید اخلاق اسلامی را مراعات نمود».
استفتائات، ج ۱، ص: ۵۱۳

ملاحظه می‌فرمائید بر خلاف بهتان بی.بی.سی نه تنها امام خمینی تهمت به منتقدین را مجاز نمی‌داند بلکه حتی اهانت - که مرتبه‌ای بسیار پایین تر از تهمت می‌باشد- را، آنهم در حق دشمن متجاوزی که در جبهه جنگ با ایران دستگیر شده است نیز جایز ندانسته و فراتر از آن، فتوا به لزوم برخورد مبتنی بر اخلاق اسلامی داده است.
«مکتبی بودن و تعهد به اسلام راستین اقتضا می‌کند تا رزمندگان اسلام با اسرای جنگی و پناهندگان با عطوفت و فتوت، به گونه‌ای اسلامی رفتار کنند که بحمد الله می‌کنند، هر چند صدام و صدامیان بر خلاف اینان رفتارشان غیر انسانی و سبعانه باشد، لکن تذکر و تأکید سودمند است. باید جوانان ما وکسانی که عهده‌دار نگهداری اسیران و پناهندگان هستند طعم شیرین رحمت و بزرگواری اسلام را به آنان بچشانند و با آنان آن گونه رفتار کنند که مولای آنها و پیشوای عظیم الشأنشان با بدترین خلق خدا و جنایتکارترین انسانها - ابن ملجم - لعنه الله علیه رفتار فرمود، تا اسیران که ضربه روحی خورده‌اند احساس آرامش و جبران در حکومت اسلامی نمایند».
صحیفه امام؛ ج ۱۶، ص: ۱۵۸

❁ اوج رأفت امام خمینی(س)

اوج رأفت امام را در موعظه و فرمان زیر ببینید و آنرا با دروغ‌های برنامه بی.بی.سی بسنجید:
«برادران، از اسرای جنگ که در دست شمایند، هر چند گناهکارند دلجوئی کنید و با آنان رفتار اسلامی- انسانی داشته باشید. و آسیب دیدگان عراقی را به اسرع وقت به بیمارستانها بفرستید تا تحت معالجه قرار گیرند. و دکترها و پرستارهای بیمارستانها ... با آنان چون نزدیکان و برادران خود رفتار نمایند و تلخی آسیب و اسارت را با رفتار اسلامی خود از ذائقه آنان کاهش دهند».
صحیفه امام؛ ج ۱۶ ص ۲۶۸

«وقتی که اسرا را می‌گیرید، اسرای مجروح را می‌گیرید یا اسرای سالم را می‌گیرید، توجه بکنید که اینها اسیر شما هستند، اینها امروز تحت سلطه شما هستند و شما با اسرا باید رفتارتان رفتار بسیار اسلامی و انسانی باشد».
صحیفه امام؛ ج ۱۶ ص ۴۱۳

«ملت شریف ما در عین حال که بر اساس تعلیمات اسلام، صلح جو و عدالت خواه است با اسرای خود آن چنان مردانه و اسلامی رفتار می‌کند که با جوانان ملت خود؛ ولی با مخالفان اسلام و مهاجمان به کشور اسلامی خود کوبنده و شدید القوا و افتخارآفرین می‌باشد.»
صحیفه امام؛ ج ۱۳ ص ۲۵۶

«دستگاههای دادگستری و دادگاههای انقلاب و قضاوت دستگاه بسیار امر مهمی است که سر و کار با جان و آبرو و مال ملت دارد، و اهمیتی که اسلام به قضاوت داده است به کمتر چیزی داده است. امروز دستگاه دادگستری و دادگاه‌های انقلاب پاسبان آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی و اسلام است و انحراف در قضا مردم را از این دستگاه مأیوس و به جمهوری اسلامی و روحانیون بدبین می‌نماید.
از مسئولین می‌خواهم که وضع زندانها را تحت نظر قرار دهند و سفارش اکید کنند که با زندانیان رفتار اسلامی- انسانی کنند. و چه نیکوست که گویندگان متعهد در زندانها حاضر شده و آنان را تحت تربیت اسلامی- اخلاقی قرار دهند. و لازم است که در حفظ سلامت بیشتر و بهداشت بهتر آنان برنامه‌هائی داشته باشند که زاید بر سختی زندان از سختی‌های دیگر رنج نبرند. و با صلاحدید رؤسای زندان اجازه ملاقات بیشتری دهند، خصوصاً در این ایام، که گناهکاران نیز افرادی هستند همچون خود ما».
صحیفه امام؛ ج ۱۴، ص: ۲۱۹

امام درباره برخورد با همه گروهها حتی دشمنان و کسانی که هیچ اعتقادی به اسلام ندارند می‌فرماید:
«اما برخورد با همه گروهها برخورد سالم باید باشد. یعنی اسلام همین طور است که حتی با دشمنها هم با مسالمت رفتار می‌کند، مگر آنکه بر ضد مصالح یک کشوری، مصالح اسلام، توطئه بکنند؛ آنجاست که با شدت عمل می‌کند. لکن همه بشر را اسلام می‌خواهد که سعادتمند باشند و با همه هم معاشرت صحیح، برخورد صحیح، برخورد دوستانه باید باشد. حتی با آنهائی هم که هیچ اعتقادی به اسلام ندارند برخورد، برخورد دوستانه باشد».
صحیفه امام؛ ج۸ ص ۳۴۲

«ممکن است در بین شما پاسداران عزیز در سرتاسر کشور، افرادی خیانتکار نفوذ کرده باشند و با کشیدن بعضی از جوانان پاکدل متعهد به انحراف، از قبیل سرپیچی از احکام دادگاههای انقلاب و عدم رعایت انضباط و مقررات و اقدام به مصادره اموال و بازداشت اشخاص بدون مجوز قانونی، شما را در بین ملت به غیر از آنچه هستید جلوه دهند و زحمات طاقتفرسای شما عزیزان را در پیشگاه ملت هدر دهند. و باید بدانید اشخاصی که دعوت به هرج و مرج می‌کنند، دشمنان شما و انقلاب اسلامی هستند، و در صورتی که به چنین اشخاصی برخوردید، به دادگاهها معرفی نمایید تا با موازین اسلامی و قانونی آنان را مجازات کنند».
صحیفه امام؛ ج ۱۲-۴۴۲

«همان طور که من عرض کردم به آقایان، رفتن و جاسوسی کردن و تجسس کردن و کارهائی که {در رژیم سابق} می‌کردند، این کارها نباید بشود. از آن رو هم در بین شهر، نباید خیال کنند حالائی که گفتند که مردم آرام باشند، حالا بیایند توی کوچه‌ها خلاف بکنند. ... این طور نیست که حالا ما یک تکه از اسلام را بگوییم، آنها سوء استفاده کنند. طرفین قضیه است. نباید ما تعدّی بکنیم و ظلم بکنیم و تفتیش از داخل خانه‌های مردم بکنیم، نباید هم آنها خیال کنند که نخیر، دیگر گذشت مسائل، هر کاری می‌خواهیم بکنیم».
صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص: ۱۶۱

«آنی که ما می‌گوییم این است که به مردم، مردم عادی به خیال اینکه توی خانه شان، خودش توی خانه اش بخواهد یک کاری بکند حقی ندارد کسی برود، بداند هم که در جوف منزلش یک کاری می‌کند این نهیش می‌کنند؛ اگر یک وقت بریزند توی خانه اش، نه، این حق نیست. همچه چیزی نمی‌شود، یک کار خلافی را با یک کار خلافتری ما بخواهیم جلویش را بگیریم، موازین دارد، نهی از منکر موازین دارد، امر به معروف موازین دارد. امّا این، تمام این صحبتها غیر مسئله توطئه است. اگر منافقین - فرض کن - خانه تیمی دارند نمی‌شود گفت که اینها بگذار باشند، حالا چه کارشان دارند، حالا که نیامده‌اند بیرون، خوب، وقتی که بیایند بیرون، یک عده‌ای را می‌کشند، اینها انفجار ایجاد می‌کنند، اینها را باید جلویش را بگیرند... نباید از خانه‌های مردم، مردم عادی و لو تویش- فرض کنید- فسادی دارد واقع می‌شود فسادی شخصی، برای شخص، زندگیهای شخصی، معصیت شخصی، واقع می‌شود حق ندارد کسی وارد خانه اش بشود. بیرون که آمد نهی از منکرش هم روی موازین شرعی، نهی از منکرش کنند. به این بهانه هم به خانه مردم نروند، تفتیش از حال مردم نکنند».
صحیفه امام؛ ج ۱۷، ص: ۲۶۸

«پاسداری فقط پاسداری مرز نیست. پاسداری یک معنای وسیعی دارد. هر یک از ما پاسداریم نسبت به دیگران. من باید نصیحت بکنم به شما؛ شما به من نصیحت کنید. من به شما بگویم که امروز که روز امتحان است خوب از امتحان بیرون بیایید. شما هم به من همین معنا را بگویید. من به شما عرض کنم که با مظلومها، با زیردستهای خودتان، خوب رفتار کنید؛ عادلانه رفتار کنید. شما هم به من بگویید همه ما مسئولیم: کُلُّکُم رَاعٍ وکُلُّکُم مَسئول ... چطور شما برادر خودتان را دلتان نمی‌آید که اذیت کنید، باید همین طور با هم رفتار کنید. با دیگران، با دیگران همین طور رفتار کنید. نفوس خودتان را تربیت کنید، تهذیب کنید. این دنیا پایان دارد برای همه ما؛ من زودتر و شما بعد؛ پایان دارد؛ نمی‌مانیم؛ آنکه می‌ماند خوبی و بدی است. صفحه اعمالتان منور به نور اسلام باشد، به عمل به احکام اسلام باشد تا در همه جا سعادتمند باشید».
صحیفه امام؛ ج۷ ص ۴۹۱

«وقتی که پیغمبر اکرم آمد و ملت خودش را دعوت به توحید کرد، چه جور رفتار می‌کرد با مردم؛ حتی با ذمیها؛ حتی با آنهائی که خلاف مذهب بودند چطور رفتار می‌کرد. حضرت امیر(س) می‌فرماید که شنیدم که یک لشکر می‌آمدند - ظاهراً لشکر معاویه بوده است - آمدند در کجا و یک خلخال از پای یک ذمیه ربودند، چه کردند؛ یک خلخال از پای یک ذمیه، از پای یک زن یهودی یا نصرانی ربوده اند؛ بعد نقل است که ایشان فرمودند اگر انسان بمیرد برای این، چیزی نیست. یک همچو انسانی، ما یک همچو حاکمی می‌خواهیم. ما دنبال یک همچو رژیمی می‌گردیم که حاکم آن، سلطانش - من جسارت می‌کنم که حضرت امیر را بگوییم سلطان - حاکمش، امامش، آنکه سلطه اش بر مملکتها، از حجاز گرفته تا ایران، تا مصر، تا کجا بوده است، نسبت به رعیت - آن هم آن کسی که خارج از مذهبش بوده- این طور عواطف داشته است».
صحیفه امام؛ ج ۴، ص: ۱۶۴

«حضرت امیر(س) هم آن وقتی که سلطنتش (من تعبیر به «سلطنت» می‌کنم روی مذاقِ حالا و الّا نباید این تعبیر را بکنم) خلافتش که همین نظیر سلطنتها بوده است، یعنی نظیر به این معنا که همه جا تحت وَلای او بوده، چندین مقابل ایران بوده، حجاز و مصر و عراق و ایران و خیلی جاها، قاضی خودش نصب کرده برای قضاوت. عربی رفته - یهودی - رفته است شکایت کرده پیش قاضی از حضرت امیر که حالا یک زرهی از من است پیش ایشان... قاضی خواست حضرت امیر را. رفت در محضر قاضی‌ای که خودش او را نصب کرده است! قاضی حضرت امیر را احضار کرد. رفت. نشستند جلوی قاضی. حتی تعلیم داد به قاضی- ظاهراً در همین جاست- که نه، به من زیادتر از این نباید احترام کنی؛ قضاوت باید همچو، هر دو علی السواء باشیم. یکی یهودی بوده و یکی هم رئیس- عرض می‌کنم که- از ایران گرفته تا حجاز تا مصر تا عراق! قاضی رسیدگی کرد و حکم بر ضد حضرت امیر داد. ما که رژیم اسلام را می‌خواهیم، یک همچو چیزی می‌خواهیم. ما که می‌گوییم حکومت اسلام، همچو چیزی می‌خواهیم».
صحیفه امام؛ ج ۴، ص: ۳۲۸

«و اما جامعه یهود، و سایر جوامعی که در ایران هستند و اهل این ملت هستند، اسلام با آنها همان رفتار را می‌کند که با سایر اقشار ملت می‌کند. اسلام بر آنها ابداً اجحاف جایز نمی‌داند. ابداً این طور نیست که آنها را بخواهد در مضیقه‌ای بگذارد. بر خلاف اصل تربیت اسلام است؛ بر خلاف وحی است؛ بر خلاف آن چیزی است که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد همه بشر به رفاه باشند؛ به سعادت باشند. اسلام تابع احکام الهی است وهمان طوری که خدای تبارک و تعالی برای اقشار ملتها احترام قائل است، اسلام هم احترام قائل است ».
صحیفه امام؛ ج ۷، ص: ۲۹۱

«همه اقلیتها مطمئن باشند که اسلام با اقلیتها همیشه به طور انسانی، به طور عدالت، رفتار کرده است و همه در رفاه هستند. و اینها هم مثل سایر اقلیتها جزئی از ملت ما هستند، و ما و آنها با هم در این مملکت زندگی می‌کنیم».
صحیفه امام؛ ج ۶ ص ۱۹۲

❁❁ برخورد امام خمینی با مخالفین و حتی توهین کنندگان به ایشان

«من توصیه می‌کنم حتی نسبت به کسانی که به من اهانت نموده‌اند نباید تعرض شود. من از روحانیت می‌خواهم با برادران خود در جهت گسترش مبانی مبارزاتی همکاری کنند و با آنان با مهربانی رفتار نمایند. من همه افرادی را که از من غیبت کرده یا به من اهانت نموده اند، عفو نمودم و از خدای تعالی برای همه طلب عفو می‌کنم»
صحیفه امام؛ ج ۶ ص ۲۶۴

«من به ملت ایران اخطار می‌کنم و تأکید می‌کنم که اگر چنانچه هر کس با هر عنوان در این موقع حساس به من اهانت کند و بخواهد تفرقه ایجاد کند، نباید در این موقع عکس العمل نشان دهید. در این دو روز بعض مراجعات شد که برای بعض مجلات که اهانت کرده‌اند عکس العمل نشان دهند، و من در این موقع حساس جایز نمی‌دانم.... اگر فرضاً به من سبّ کنند یا عکس مرا بسوزانند یا به من حمله کنند، در این موقع حساس کسی حق ندارد عکس العمل نشان دهد. دشمن در کمین است و در توطئه. می‌خواهند اذهان شما را از طریقی که دارید و از راهی که برای نجات اسلام است و دارید طی می‌کنید منحرف کنند».
صحیفه امام؛ ج ۹، ص: ۶۷

اطلاعیه زیر در ماجرای غائله حزب خلق مسلمان به عنوان یکی از احزاب سرسخت مخالف امام و روند انقلاب، صادر شده و سندی است گویا بر میزان دروغ پردازی برنامه بی.بی.سی:
«من به شما دوستان اکیداً اخطار می‌کنم که هر کس عکس این جانب را پاره کند یا بسوزاند و به من ناسزا بگوید و اهانت کند کسی حق ندارد به او تعرض کند و از من طرفداری کند. امروز در صددند ایجاد غائله کنند و شماها را به جان هم بیندازند. باید با کمال خونسردی و آرامش از کنار آنان بگذرید و تعرض به آنان و مقابله به مثل خلاف رضای خداوند و از محرمات بزرگ شرعیه است. خداوند همه ما را از شرور شیاطین حفظ فرماید.
و السلام علیکم و رحمه اللّه.
روح اللّه الموسوی الخمینی».
صحیفه امام؛ ج ۱۱ ص ۱۷۴

«من اخطار می‌کنم که به تمام کسانی که در دفتر هستند و یا در دفتر و منزل این جانب می‌آیند که باید با کمال بیطرفی و بی نظری عمل کنند، و هیچ گفتار یا کرداری که از آن انتزاع طرفداری از اشخاص یا گروهها و مخالفت با اشخاص، یا گروهها گردد به جا نیاورند؛ و تخلف از این امر، مخالف شرع و مصلحت انقلاب اسلامی است.
و کسانی که بخواهند تخلف کنند نباید در دفتر یا منزل این جانب بمانند. و نیز به پاسداران اطراف منزل اخطار می‌کنم که حق ندارند تعرض و خلاف آداب اسلامی با اشخاص از هر گروهی هستند، روحانیون معظم و شخصیتهای دولتی و انقلابی، رفتار کنند.»
صحیفه امام؛ ج ۱۲ ص ۲۲۸

در برنامه بی.بی.سی با نسبت دادن یک مبنای دروغ به امام خمینی که او حفظ اسلام و نظام را به هرقیمتی روا دانسته است چنین نتیجه گرفته‌اند که بر همین مبنا، توهین و تهمت به علما و مراجع تقلید مخالف تفکر ایشان؛ رواج یافت. این ادعای دروغ را با متن سخن امام محک می‌زنیم تا مشخص شود که ایشان نه تنها حفظ اسلام و حیثیت آنرا به تهمت به مراجع ساکت و یا مخالف نهضت خویش ندانسته، بلکه دقیقا بر عکس کمترین اهانتی به ایشان را گناهی بزرگ دانسته و فراتر از آن با نهایت تواضع می‌گوید دست همه آنها را می‌بوسد:
«من یک نصیحت می‌کنم به بچه‌های طلاب؛ طلاب جوان که تازه آمده‌اند و حاد و تندند؛ و آن این است که آقایان، متوجه باشید اگر چنانچه شَطْر کلمه‌ای به یک نفر از مراجع اسلام، شطر کلمه‌ای اهانت بکند کسی به یک نفر از مراجع اسلام، بین او و خدای تبارک و تعالی ولایت منقطع می‌شود. کوچک فرض می‌کنید؟
فحش دادن به مراجع بزرگ ما را کوچک فرض می‌کنید؟
اگر به واسطه بعضی از جهالتها لطمه‌ای بر این نهضت بزرگ وارد بشود، معاقَبیت پیش خدای تبارک و تعالی؛ توبه تان مشکل است قبول بشود، چون به حیثیت اسلام لطمه وارد می‌شود».
صحیفه، امام ج۱، ص ۳۰۶

«... اگر یکوقت اختلاف اجتهاد در کار باشد؛ مثل سایر مسائل شرعیه اختلاف اجتهاد در کار باشد، بچه‌ها و جوانها نباید دخالت بکنند؛ خطرناک است؛ دشمن بیدار است. گمان نکنید که فحش به یک نفر است؛ فحش به یک جامعه اسلامی است؛ اهانت به یک جامعه اسلامی است؛ وَهْن وارد شدن بر یک جامعه اسلامی است.
من که اینجا نشسته ام دست تمام مراجع را می‌بوسم؛ تمام مراجع اینجا، نجف، سایر بلاد، مشهد، تهران، هر جا هستند، دست همه علمای اسلام را من می‌بوسم». همان جا

«می‌دانید که اگر یک کلمه، یک کلمه، به یکی از مراجع اسلام اهانت بشود، پیش خدا چه است؟ «فَقَدْ بارَزَ اللّه بِالمُحارَبَه»! اینها اولیای خدا هستند».
صحیفه امام؛ ج ۲، ص: ۳۹

«به من کراراً اطلاع دادند که بعض جوانها و بعض بی خبرها یا اشخاصی که با طرح وارد شده‌اند و آنها را اغفال کرده اند: به بعض مراجع بزرگ اسلام اهانت می‌کنند. در شهرهای مختلف، این مطلب دیده می‌شود. و شما بدانید که این مطلب اهانت کردن به مراجع جز اینکه یک اختلافی در بین ملت ایجاد کند و جز اینکه یک مطلب بر خلاف رضای خدائی واقع بشود، نتیجه ندارد. من از عموم ملت تقاضا می‌کنم که هر جا یک همچو مسائلی دیدند، این جوانها اگر گول خورده اند، آنها را نصیحت کنند و اگر کسی است که مخصوصاً از این گروههای اختلاف انداز در بین آنها وارد شده، شناسائی کنند و به مراکزی که باید اطلاع بدهند، اطلاع بدهند».

❁ ب: آیا وجوب حفظ نظام و حفظ اسلام در دیدگاه امام خمینی مقید به رعایت قانون و اخلاق است یا به هرقیمتی؟

داوری درباره صحت ادعای بی.بی.سی و یا بهتان بودن آنرا با تأمل در متن عبارات امام خمینی به خوانندگان محترم این نوشتار می‌سپارم:
«رفتن در حِرْز مردم خلاف شرع است.
اهانت کردن به یک آدمی، و لو این آدم هم خودش یک آدم مخالفِ مثلًا چه باشد، باز حق اهانت نیست. این حق است که جزایش را به او بدهند، دیگر اهانت چرا به او بکنند؟ رفتن منزل، به خانواده اش تعرض کردن، به بچه‌هایش تعرض کردن، اینها اموری است که نباید بشود. ما می‌خواهیم اسلام باشد، ما نباید یک کاری بکنیم که بگویند که دادگاهها در زمان طاغوت هم این کارها را نمی‌کردند! ... باید شما آقایان علاج بکنید مسأله را. اگر می‌توانید علاج بکنید، علاج بکنید. و الّا الزامی ندارید که قاضی باشید...
احکام اسلام را می‌خواهید پیاده بکنید؛ باید با تمام احتیاطات لازم، با تمام دقتهای لازم، در این امور بررسی بشود یکوقت یک بیگناهی خدای نخواسته، روی یک مقاصدی که یک کسی ممکن است داشته باشد بیاید تهمت به او بزند، خدای نخواسته یک آدم بیگناهی {محکوم} بشود».
صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص: ۲۷۴

❁ جواب امام خمینی در پاسخ به استفسار رسمی آیت اللّه‌هاشمی‌رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی از ایشان، درباره وضع قوانین موقتی بر اساس احکام ثانویه به خاطر مصلحت نظام چنین است:
«آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد (که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود) و آنچه ضرورت دارد (که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است) و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است، پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریّت وکلاء مجلس شورای اسلامی با تصریح به «موقّت بودن آن مادام که موضوع محقّق است، و [این که] پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود» مجازند در تصویب و اجراء آن، و باید تصریح شود که هر یک از متصدّیان اجراء از حدود مقرّر تجاوز نماید مجرم شناخته می‌شود، و تعقیب قانونی و تعزیر شرعی می‌شود».
امام خمینی در سخنانی خطاب به مسئولین و اعضای دو نهاد مهم قانونگذاری و قضائی کشور به تشریح دیدگاه خود درباره اهمیت حفظ نظام و مقایسه آن با حفظ اسلام پرداخته است. متن سخن امام از این جهت که در دیدگاه ایشان حفظ نظام و اسلام به چه امری وابسته است و آیا هیچ نشانه‌ای بر اینکه ایشان حفظ نظام - و بالاتر از آن: حفظ اسلام - را به هرقیمتی مجاز دانسته یا دقیقا برعکس، بسیار شفاف و صریح است:
«مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه گیریهائی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند؛ و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلًا منجّز است.
❁ حضرات وکلای محترم که بحمداللّه به جمهوری اسلامی تعهد دارند، در نطقهای قبل از دستور و در مباحثات در حال دستور با کمال دقت مواظب جملات خود و کیفیت ادای آن باشند، که خدای نخواسته به مسلمانی بلکه انسانی توهین نشود و شخصیتی ساقط نگردد و کسی مظلوم واقع نشود. البته انتقاد سالم و سازنده بدون اغراض شخصیه و خدای نخواسته انتقامجوئی لازم است و مفید و موجب رشد و تعالی است. و هر کس در نزد وجدان خود تشخیص رفتار و گفتار و نوشتار خود را می‌دهد و همه چیز در محضر مقدس حق تعالی واقع می‌شود.
... از شورای محترم قضائی تقاضا می‌شود که در انتخاب قضات، چه آنان که به حد صلاحیت رسیده‌اند و چه آنان که به طور مجاز مشغول می‌شوند، حد اعلای دقت را بفرمایند. چنانچه لازم است اشراف بر کیفیت اعمال قضات محترم تا حد امکان داشته باشند و اگر خلافی اشتباهاً شده باشد جبران نمایند و اگر احیاناً خدای نخواسته به طور عمد بوده، با قاطعیت و شدت عمل با آنان رفتار نمایند و نگذارند اشخاص نفوذی غیر متعهد این دستگاه مقدس اسلامی را آلوده نمایند. و درباره زندانیان عنایت خاص داشته باشند که نه از مستحق حدود و تعزیرات شرعیه از مجازات الهیه بدون مجوز شرعیه صرف نظر کنند و نه خدای نخواسته غیر مستحقی مظلوم واقع شود. نه ساده اندیشی کنند که منحرفین و مفسدین رها شده و به فساد خود ادامه دهند و نه کسانی که چنین نیستند حتی یک روز در بند باشند. قاضی پس از شرایط معتبره شرعیه باید در اجرای موازین قضائی سخت و صُلب باشد. نه تحت تأثیر عواطف و جوسازیهای بیمورد واقع شود و از اجرای احکام خدا سر پیچد و نه با جوسازیهای منحرفان و انتقامجویان، بر خلاف موازین الهی از رحمت بر بندگان خدا دریغ کند که هر دو طرف افراط و تفریط بر خلاف عدل الهی است ».
صحیفه امام؛ ج۱۹ ص۱۵۳

ادامه در صفحه ٦